

یادداشت

خبریه استاندارد؟

● نبی‌اله عشقی‌ثانی، مدرس دانشگاه، موضوع خبریه استاندارد میبختی مهم است که چندسالی است ضرورت آن ذهن دست‌اندرکاران مؤسسه‌های خبریه و دیگر علاقه‌مندان به خدمات اجتماعی را به خود مشغول کرده است. برخی از مرتبطان به این مؤسسه‌ها نیز تلاش کردند به بررسی این مفهوم پرداخته و به نوعی استاندارد برای مؤسسه‌های خبریه ارائه دهند. اینکه وظیفه تعریف خبریه استاندارد با خود مؤسسه‌های خبریه است یا این تکلیفی است که دستگاه‌های متولی صدور مجوز فعالیت و ناظران بر این مؤسسه‌ها باید برای حصول به آن تلاش کنند، سؤالی است که پاسخی به آن داده نشده است. گروهی نیز بر این باورند این مسئولیتی مشترک است که باید با همکاری و تشریک مساعی دست‌اندرکاران مؤسسه‌های خبریه و دستگاه‌های نظارت‌کننده انجام شود. در این میان، نقش و مسئولیت مراکز علمی و دانشگاهی نیز به دلیل جایگاه علمی و تحقیقاتی که دارند، قابل ذکر است. حال اگر اصل ضرورت تعیین استاندارد برای مؤسسه‌های خبریه را پذیرفتیم، باید برای رسیدن به نظری مشترک درباره مفهوم، ویژگی، حدود، شرایط، دامنه شمول و چگونگی خبریه استاندارد به بحث و بررسی بپردازیم. برای تعیین خبریه استاندارد اگر شدنی باشد، شاید به نوعی بررسی فرایندی و ساختاری مورد نیاز باشد تا مشخص شود ابعاد موضوع تا کجاست، مفاهیمی از قبیل هیئت مؤسس و مدیران، مأموریت، موضوع فعالیت، اهداف، ساختمان محل فعالیت، تجهیزات و لوازم اداری، جامعه هدف، داوطلبان، خیران، منابع انسانی، اسانامه، آیین‌نامه‌های اجرایی، تعریف حمایت، مساعدت، تحت پوشش، سرپرستی، تأمین منابع مالی، روش خدمت‌رسانی و هزینه‌کرد، توانمندسازی، اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی و مانند اینها باید تعریف و تعیین تکلیف شوند و برایشان به اتفاق نظر برسیم تا گامی مقدماتی برای مشخص‌کردن خبریه استاندارد باشد. برخی نیز ممکن است بگویند ورود به این تنوع موضوعات عامل بازدارنده‌ای برای اهل خیر و نیکوکاری است که عاشقانه و برای خاطر روحیه انسان‌دوستی و احساس تکلیف شریعی و اجتماعی به تأسیس مؤسسه خبریه اقدام می‌کنند؛ کوچک یا بزرگ کم یا زیاد به یاری اقشار نیازمند مشخص‌شده‌ای می‌پردازند، دستشان درد نکند و خدا یارشان، باید دستشان باز باشد به هر شکل که خواستند به خلق خدا یاری رسانند. ما در اینجا از ادامه مطلب خودداری کرده و این موضوع را به عنوان یک بحث آزاد مطرح می‌کنیم و از همه علاقه‌مندان و فرهیختگان، دست‌اندرکاران و دستگاه‌های مسئول تقاضا می‌کنیم با ورود به این موضوع و ارائه دیدگاه‌ها و پیشنهادات به تکلیف اجتماعی خود عمل کنند.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۸ | ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ | ۶ فوریه ۲۰۲۰ | سال هفدهم | شماره ۳۶۴۱ | ۱۶ صفحه | اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ | اذان مغرب ۱۷:۵۵ | اذان صبح فردا ۵:۳۵ | طلوع آفتاب ۷:۰۰

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

داریو کاستیلیجوس

هراس جهانی از ویروس کرونا



آسایش‌گاه سالمندان پناه

مفتخر است با بهترین امکانات آماده خدمات رسانی به سالمندان عزیز بصورت شبانه روزی می باشد.

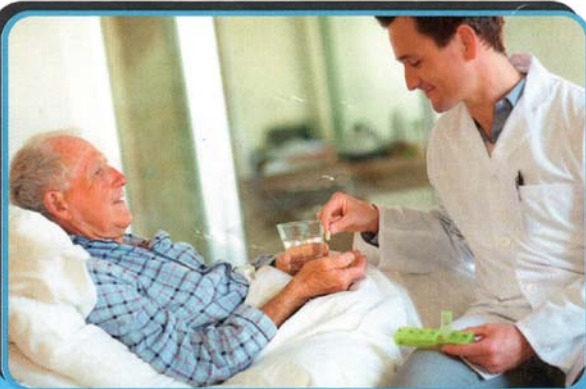


در محیطی آرام با کادری مجرب فیزیوتراپی و کار درمانی سالمندان در محل

ویزیت پزشکی برگزاری جشن و اعیاد مختلف و برنامه های مفرح

حضور روانشناس

حضور ۲۴ ساعته پرستار و انجام خدمات درمانی



خیابان فاطمی، روبروی وزارت کشور

خیابان چهارم (میرزایی بی غش) کوچه رامین پلاک ۱۰

۵۰ ۱۵ ۹۹ ۸۸ – ۴۱۰۰ ۹۵ ۸۸

۱۶ ۷۷ ۱۱ ۱۲۶۱۰۹ – ۵۵ ۱۴۵۵ ۸۸۹۹۱۴

گزارش فردا

بیمارستان چینی، منفعت آمریکایی

سامان راد: در روزهایی که وزیر بهداشت ایران از یک پروژه هزارتختخوابی که هفت سال است به اتمام نرسیده بازدید می‌کرد، چینی‌ها در کمتر از ۱۰ روز یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های عمرانی‌شان را به پایان رساندند. آنها در نزدیک به هفت روز از ۱۰ روزی که قولش را داده بودند، بیمارستان هزارتختخوابی ووهان را برای درمان بیماران مبتلا به کرونا احداث کردند؛ پروژه‌ای که فرایند ساختش از زمان شروع در ۲۵ ژانویه تا پایانش در سوم فوریه، در شبکه‌های اجتماعی پخش مستقیم می‌شد. برای ساخت این پروژه عظیم، ۴۰۰ اتاق پیش‌ساخته و سیستم تهویه در محل بیمارستان نصب شد. چهار هزار کارگر مجهز به ماسک ۲۴‌ساعته در تلاش برای ساخت این بیمارستان بودند و از همه مدام آزمایش می‌گرفتند تا در صورت ابتلا به ویروس، تحت درمان قرار بگیرند. در فاصله کمی

از ساخت این بیمارستان، چینی‌ها دومین بیمارستان هزار و ۶۰۰ تختخوابی را هم در ووهان افتتاح کردند. برخی معتقدند علاوه بر نیاز چینی‌ها به مراکز درمانی مجهز و پیشرفته برای کنترل کرونا ویروس، ساخت این بیمارستان‌ها و تبلیغات پشت آن، بخشی از برنامه چین برای بازگرداندن وجهه بین‌المللی به این کشور است؛ تصویری که با شیوع کرونا به آن آسیب‌های زیادی وارد شد و چینی‌ها تلاش دارند آن را ترمیم کنند. اما چقدر موفق می‌شوند، سؤالی است که با دکتر بهزاد شاهنده، استاد بازنشسته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، در میان گذاشیم و او به ما از شروع پروژه می‌گوید: «در ماه دسامبر اولین خبرها از شیوع چنین ویروسی در چین منتشر شده بود. متأسفانه چینی‌ها دوهفته‌ای در این زمینه تعلل کردند و همین تعلل، تأثیری اساسی بر شیوع گسترده‌تر این ویروس در چین داشته است. اگر در آن دو هفته چینی‌ها تلاشی برای مهار این بیماری می‌کردند، قطعاً می‌توانستند جلوی انتشار گسترده آن و ضرر و زیان‌هایی را که با انتشار این ویروس پدید آمده است، بگیرند. الان و طبق آخرین خبرها، چیزی حدود ۲۰ هزار نفر به این ویروس مبتلا شده‌اند و ۶۳۰ نفر نیز تاکنون جان باخته‌اند. همچنین طبق پیش‌بینی‌های سازمان بهداشت جهانی، کنترل کروناویروس چیزی نزدیک به سه ماه زمان نیاز دارد و قطعاً مرگ‌ومیر ناشی از آن به‌شدت بیشتر از شیوع سارس در سال ۲۰۰۳ خواهد بود.» دکتر شاهنده همچنین درباره ضرر و زیان شدیدی که این بیماری به چهره جهانی چین به‌ویژه در دوران اوج درگیری با آمریکا وارد کرده است، می‌گوید: در دوهفته‌ای که از شیوع گسترده کرونا در چین می‌گذرد، چیزی حدود ۴۵۰ میلیارد دلار به اقتصاد چین ضرر و زیان وارد شد. تقریباً ۷۵ درصد شرکت‌های چینی تعطیل شدند. همچنین قرار است تا سیزدهم فوریه کارمندان و مردم در خانه‌ها بمانند و به محل کارشان نروند. شرکت‌های چندملیتی



تکلیف و واقعه

ورزشکاران مهاجر و چند نکته

علی ورامینی

هر چیزی جنگ می‌زند. طبیعتاً خروجی چنین وضعیتی همان می‌شود که شاهدش هستیم. به قول باباطاهر: «گل از ما دیگری گیرد گلابش»؛ سال‌ها هزینه، وقت نتیجه‌گیری در جایی دیگر، اما به نظر می‌رسد نه به لحاظ اجتماعی، ملی یا رفا، بلکه به لحاظ شخصی نمی‌توان گفت ورزشکار با قرارگرفتن در کنج عاقبت، سلامت روانش را برای همیشه تضمین کرده است. سقراط می‌گوید انسان‌ها هر چه نزدیک‌تر به شما باشند، بیشتر سزاوار اخلاقی رفتارکردن شما هستند، یعنی خواهر من نسبت به خانمی در خیابان بیشتر سزاوار اخلاقی رفتارکردن است و با همین نگاه می‌توان گفت هم‌وطن من بیشتر از مثلاً مردم آلمان. از دیگر سو «رولو می»، روان‌شناس شهیر اگزستانسیالیست، در بحث ترس از مرگ معتقد است اگر انسان چنان زندگی کند که دم مرگ زمین سوخته به ملک الموت تحویل دهد، ترس از مرگ کاهش پیدا می‌کند. زمین سوخته به این معناست که تا می‌توانید بیشترین لذت ممکن را در این عالم بربرد و از دیگر سو بیشترین خیری هم که می‌توانید به عالم برسانید. یعنی کاهش اضطراب مرگ و آرامش دو سویه دارد که فقط یکی از آن، بودن بیشترین لذت است. روان آدمی به گونه‌ای ساخته شده است که برای رسیدن به آرامش نیاز دارد بر این عالم خیری بیفزاید. اگر با این چند گزاره همراه شویم که اول خیررساندن برای سلامت روان آدمی ضرورت دارد، دوم خیررساندن به نزدیکان به قول سقراط، اولویت دارد و از دیگر سو می‌دانیم ورزشکاری که یک پرچم کشور دیگری بازی کرد، دیگر نمی‌تواند خیری به مردم خودش برساند، می‌توان گفت این انتخاب ورزشکاران معامله‌ای است که امکان ضرر هم به لحاظ فردی در آن وجود دارد و شاید زمانی با خود بیندیشند ای کاش آن کار بزرگ را انجام داده بودند.

صدایی که شنیده نمی‌شود

مردم بسیار خوبی داریم

مصطفی اقلیما

رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران

● اگر نسبت‌های درستی بین تورم و میزان حقوق کارمندان و کارگران برقرار می‌شد؛ خواه‌ناخواه مردم همچنان می‌توانستند از پس گرانی‌ها برآیند، اما وقتی تورم ۳۰ یا ۴۰ درصد بالا می‌رود، اما درمقابل میزان حقوق ۱۰ درصد افزایش می‌یابد، این دقیقاً مترادف با این نکته اساسی است که بر فقیران جامعه افزوده می‌شود و حالا به همین نسبت بر گرانی‌ها و تورم افزوده‌تر می‌شود و بعد مردم نمی‌توانند با کمبود حقوق‌هایشان به جنگ گرانی و تورم بروند و نتیجه این می‌شود که نسبت به معیشت خویش معترض باشند، اما این صدای مردم و مطالبه آنان است که در این دو سال آشکارتر شده و چون کماکان فشار بر مردم افزوده شده، خواه‌ناخواه با گرانی یک‌باره بنزین، دوباره معترض شده و این بار جدی‌تر از پیش صدایشان را بلند کرده‌اند، بلکه این‌بار شنیده شود.

برخی فکر می‌کنند دولت پول ندارد، درحالی‌که خود دولت اعلام کرده که گرانی بنزین هر میزان درآمدی که داشته باشد عاید مردمان فقیرتر و در سبب معیشتی آنان ریخته می‌شود. بنابراین اگر پول هست، پس چرا این مشکلات حل‌وفصل نمی‌شود و به بارتاری چرا این صدا شنیده نمی‌شود؟ خواه‌ناخواه مردم بیهوده به خیابان نیامده‌اند و باید این صدا شنیده شود؛ بنابراین مدیریت با شایسته‌سالاری همراه نیست وگرنه باید مسئولان خیلی زودتر از اینها پاسخ‌گو می‌شدند که کار به جاهای باریک‌تر نمی‌کشید.

از س‌وی دیگر، می‌دانیم که کشور ما قوانین درست‌ودرمانی دارد که متأسفانه چون این قوانین درست اجرا نمی‌شوند، گاهی دچار چنین بحران‌هایی می‌شویم، اما در کشورهای دیگر با آنکه قوانین بدی دارند، اما قانون‌مداری خود یک انگیزه قوی است برای اینکه همواره با وضعیت نسبی قابل‌پذیرشی از سوی مردم همراه باشند. در اینجا قوانین خوند و می‌توانند برای دولت و ملت شرایط خوبی را ایجاد کنند، اما دوزدن این قوانین است که شرایط را گاهی سخت و دشوار می‌کند و پیامدش هم تلنبارشدن این مشکلات است که یک‌باره حالت انفجاری به خود می‌گیرد و مردم عصبانی را به خیابان‌ها می‌کشاند.

می‌دانیم که هر سال بر درصد بی‌کاران افزوده می‌شود و می‌دانیم که دانشجویان بسیاری هستند که هرساله از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند و فقط تعداد اندکی از آنها جذب سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی می‌شوند، بنابراین انبوه بی‌کاران باسواد داریم که به دنبال کار می‌گردند و اینها خود مطالباتی دارند که بحق است و باید پاسخی برایش وجود داشته باشد و اینها هم صدای برحقى دارند و باید فکر اساسی شود برای اینکه بخش بزرگ جامعه بتوانند از این شرایط سخت و سنگین بیرون بیایند و باز هم اگر صدایشان شنیده نشود، خب قابل پیش‌بینی است که این صدا همچنان باقی است و این مطالبات برای داشتن یک زندگی عادی ادامه خواهد داشت.

در این شرایط است که اکثر مردم حقوق‌بگیر برای تداوم زندگی کم می‌آورند و در مقابل، اقلیت سرمایه‌دار با گرانی‌ها و تورم در بازار آنچه را عرضه می‌کند به نسبت تورم بالاتر می‌برد و ذره‌ای هم کم نمی‌آورد و حالا فشار بر دوش همان اکثریتی است که به مرور تاب تحملشان کمتر و نیازمندتر می‌شوند و پیامدش همین خواهد بود. بنابراین صدای آنان باید شنیده شود و پاسخ‌گویی از سر شایسته‌سالاری می‌آید.

در این شرایط کار جامعه‌شناسان نظریه‌پردازی‌کردن است که اگر چنین کرده بودند، ما الان شاهد این فشارها نبودیم، چون همه‌چیز قابل مهارشدن بود و با درک واقعیت‌های رایج می‌شد همه‌چیز را کنترل کرد، اما الان از مدار برنامه‌ها و مدیریت‌ها بیرون است وگرنه جامعه یک‌باره با چنین اعتراض‌هایی روبه‌رو نمی‌شد. اگر دولت می‌دانست که زمان گرانی بنزین الان نیست و فکر نمی‌کرد که در شب جمعهای این می‌تواند به مردم بقبولاند که با گرانی بنزین کنار بیاید و اگر می‌دانست چنین می‌شود، حتما این کار را نمی‌کرد. دولت باید به موازات افزایش قیمت‌ها هم‌واره افزایش قیمت بنزین را به تدریج در نظر می‌گرفت و البته به همین نسبت هم بر میزان حقوق‌ها هم باید بیفزاید که همه‌چیز قابل پذیرش باشد و مردم احساس نکنند که نسبت به این گرانی‌ها همواره متضرر خواهند بود و بیشتر به زیر خط فقر می‌روند.

درعین‌حال این مسائل نیازمند زیرساخت‌های قوی است که اگر از سال‌های دور به آن توجه می‌شد، دچار این روزهایی نمی‌شدیم که مردم از دولت سلب اعتماد کنند و حالا دولت باید آن‌قدر زحمت بکشد که بتواند اعتماد عمومی را جلب کند. مردمان خوبی داریم و باید برای آنها کار شود و این حق مسلم آنهاست و اگر این ناشنیده‌ماندن صدای مردم تداوم یابد، کار به جاهای باریک‌تر از این می‌رسد.